

پرولتاریا و توده‌های زیر ستم سراسر جهان متحد شوید!

تنها راه رهایی طبقه کارگر این است که نظام سرمایه‌داری را به یاری تمامی نیروهای مردمی نابود کند. اول ماه مه، علیه امپریالیسم، ارتجاع، فلاکت و جنگ برخیزیم و برای انقلاب پرولتری و سوسیالیستی در سراسر جهان مبارزه کنیم!

در اول ماه مه، طبقه‌ی کارگر به‌عنوان یک طبقه‌ی جهانی به همراه توده‌های تحت‌ستم جهان به میدان‌ها و خیابان‌ها می‌آیند و علیه استثمار جهانی سرمایه‌داری به نبرد برمی‌خیزند.

در این روز کارگران و توده‌های مردم، سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری و امپریالیستی را بر جهان و کشورهای تحت ستم افشا می‌کنند و با اتحادیه‌های کارگری زرد و احزاب «کارگر فروش» که آشتی با استثمارگران و انحصارهای بزرگ امپریالیستی که سود و ثروت انباشته می‌کنند و تداوم استثمار کار مزدی را موعظه می‌کنند، مقابله می‌کنند.

اکنون قیمت کالاهای اساسی به بالاترین قیمت در ۴۰ سال گذشته رسیده است. دستمزدهای واقعی طبقه کارگر بیش از پیش کاهش یافته است. بیکاری و کاهش نیروی کار به گونه‌ی چشمگیری در تمام صنایع بزرگ در جهان در حال افزایش است. طی ۱۰ سال گذشته، ۹۹ درصد از ثروت جهان در اختیار ۱ درصد سرمایه‌داران بوده است.

تخریب سرمایه‌داری محیط زیست و طبیعت بیش از پیش شده است و این موجب سرعت بخشیدن به بلایای طبیعی و افزایش آن‌ها شده است. این همه، نابرابری‌های اجتماعی را به تراژدی‌های وحشتناکی برای مردم جهان تبدیل کرده است.

سرمایه‌داری سیستم انباشت سود و استثمار طبقه‌ی کارگر است. تولید سرمایه‌داری با تولیدی که هر چه بیشتر اجتماعی می‌شود و تصاحب خصوصی هر چه بیشتر ثروت‌های آفریده شده به وسیله کارگران و زحمتکشان مشخص می‌شود. همین تضاد اساسی است که باعث زوال اجتناب‌ناپذیر این نظام می‌گردد.

همان‌گونه که مارکس اشاره کرد از هر منفذ سرمایه و از سر تا پای آن چرک و خون می‌چکد و تنها راه رهایی طبقه کارگر، نابود کردن نظام سرمایه‌داری به وسیله‌ی تمامی نیروهای لازم است.

مارکس و کمونیست‌ها می‌گویند که مبارزه طبقاتی لوکوموتیو تاریخ است و آن را به پیش می‌برد. امروز جهان با یک وضعیت تاریخی روبه‌رو است که از یک سو امپریالیسم در بحران است و این بحران را به دوش پرولتاریا و توده‌های مردم می‌اندازد و مبارزه‌ی سازمان‌های پرولتری و کمونیستی را سرکوب می‌کند و از سوی دیگر، پرولتاریا و توده‌های مردم درگیر مبارزات و شورش‌های گسترده‌ای هستند که دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی، دولت‌های بورژوازی و کل نظام اجتماعی سرمایه‌داری امپریالیستی را به چالش می‌گیرد.

هم‌اینک تمامی جهان جنبش طبقاتی و مبارزاتی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مردم را علیه اصلاحات حقوق بازنشستگی دولت مکرون و چگونگی تصرف خیابان‌ها در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه می‌بیند. در کنار آن مبارزات بزرگی نیز در بریتانیای کبیر، آلمان، سوئیس شکل گرفته است.

و اما دولت امپریالیستی فرانسه به این مبارزات بزرگ با سرکوب پاسخ می دهد. سرکوب اما نمی تواند مبارزه ی توده های زحمتکش را متوقف کند، بلکه به مبارزه پرولتاریا و توده های مردمی دامن می زند مردمی که مبارزات ستیزه جویانه ی خود را بر لبه ی دموکراسی بورژوایی گسترش می دهند.

امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار است که این سرمایه داران امپریالیست هستند که مانع پیشرفت های اجتماعی می شوند؛ آن ها طبقه ی انگلی هستند و باید از روی زمین نیست شوند.

پرولتاریا و توده های مردم مداوما در برابر حملات پیاپی سرمایه داران به دستمزد، شغل، بهداشت و شرایط معیشتی مقاومت می کنند. آن ها باید مبارزه را تا از بین بردن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استثمار که موجب برتری و امتیازات طبقات حاکم است پیش ببرند. آن ها باید مبارزه را تا حد نهایی آن یعنی در اختیار گرفتن محصول کار خود تکامل دهند.

تاریخ نشان داده است که امپریالیسم برای غلبه بر بحران به سمت جنگ برای تقسیم جهان و فتح بازار جهانی می رود. جنگ روسیه و اوکراین نتیجه ی رقابت امپریالیستی بین روسیه و آمریکا است. این جنگ تقسیم جهان برای کنترل انحصاری منابع طبیعی است. از آغاز جنگ، سود صنایع جنگی، شرکت های نفت و گاز دو برابر شده، در حالی که شرایط طبقه کارگر، دهقانان و توده های مردم بدتر شده است. بورژوازی دیگر نمی تواند با پارلمان و انتخابات حکومت کند؛ از دید پرولتاریا و توده ها انتخابات جایگاه پیشین خود را از دست داده است.

نیاز به سوسیالیسم و کمونیسم از بحران امپریالیسم، از مبارزات پرولتاریا و توده های سراسر جهان سرچشمه می گیرد. مبارزات پرولتاریا، قیام توده ها، جوانان، زنان، مهاجران، همگی خواستار اتحاد، سازماندهی و رهبری برای سرنوینی و ساختن قدرت نوین برای جامعه ای نوین است.

بورژوازی کشورهای امپریالیستی در مواجهه با بحران اقتصادی جهانی، به سوی جنگی برای مقابله با آن می رود. برای یک جنگ امپریالیستی و یک قصابی برای تقسیم جدید جهان. همه کشورهای امپریالیستی، ایالات متحده، روسیه، چین، اروپا، ژاپن، فعالانه برای جنگ جهانی آماده می شوند. آن ها از تمام سلاح های خود که از قبل در دسترس هستند استفاده می کنند و در عین حال زرادخانه های خود را به سلاح های پیشرفته تازه مسلح می کنند. آن ها با دامن زدن به جنگ ها و با فروش سلاح های پیشرفته ی خود سودهای عظیم انباشته می کند.

طبقات حاکم و نوکران کشورهای زیر ستم در همراهی با چیدن مقدمات جنگ جهانی به وسیله ی امپریالیست ها، برخلاف منافع طبقه ی کارگر و توده های کشور، خود را در خدمت اربابان امپریالیست شان قرار داده اند.

تنها نیروی اجتماعی که قادر است با جنگ مخالفت کند و وقتی آغاز شد آن را به یک جنگ انقلابی تبدیل کند، پرولتاریا هستند. آن ها باید مانع استقرار نیروها، اسلحه ها، استخدام پرولتاریا به عنوان «گوشت دم توپ» برای یک جنگ ناعادلانه شوند. طبقه ی کارگر و توده های ستمدیده در کشورهای زیرسلطه ی امپریالیسم، باید مبارزه ضد امپریالیستی و جنگ های توده ای را تشدید کنند. اتحاد و مبارزات انقلابی پرولتاریا و توده های سراسر جهان می تواند مقدمات یک جنگ امپریالیستی و خود جنگ را به یک جنگ داخلی انقلابی، به جنگ توده های مردم برای از بین بردن سلطه امپریالیستی و شکست قدرت سرمایه در همه کشورها تبدیل کند.

همه احزاب و سازمان های مارکسیست-لنینیست-مائوئیست جهان باید بحران کنونی امپریالیسم و جنگ امپریالیستی را به جنبش های پرولتاریا و توده های مردمی در جهان با هدف انقلاب پرولتری و سوسیالیستی تبدیل کنند.

این بر کمونیست هاست که نمونه ای از اتحاد انترناسیونالیستی و مبارزه علیه تدارک یک قتل عام امپریالیستی جدید جهانی باشند و فعالیت های خود را در جهت زیر سازمان دهند:

اتحاد و هماهنگ کردن تلاش‌ها در همه کشورها برای ترویج مبارزه‌ی انقلابی ارتش‌های پرولتاریا و توده‌های مردمی علیه استقرار نیروها و سلاح‌ها برای جنگ‌های امپریالیستی، جنگ‌های ارتجاعی و جنگ‌های ناعادلانه؛

در یک جبهه مشترک با تمام نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی، دموکراتیک واقعی که مخالف جنگ و پشتیبانی نظامی رژیم‌های مزدور کشورهای زیر سلطه از اربابان امپریالیست خود در سراسر جهان به ویژه در کشورهای نیمه‌استعماری و نیمه‌فئودالی هستند، ایستادگی کنند؛

طرد و افشای رفرمیست‌ها و نیروهای اپورتونیست سوسیال دموکراتیک که گاه به نام پرولتاریا و توده‌های مردم از یکی از جناح‌های امپریالیستی پشتیبانی می‌کنند و همگی دشمنان میرنده‌ی استثمار شوندگان و ستم‌دیده‌گان جهان هستند؛

تشدید مبارزه‌ی طبقاتی، تقویت ابزار مقاومت و دفاع از کارگران در اتحادیه‌های طبقاتی واقعی، یعنی سازمان‌هایی که مبارزات کارگری را در کارخانه‌ها و در بخش‌هایی که بالاترین درجه‌ی استثمار وجود دارد و همچنین تعیین دستمزد کارگران در شرایط نوپدید کار را سازمان می‌دهند؛

پشتیبانی از مبارزات بزرگ توده‌های دهقانان و بر مبنای این که زمین به کسانی که روی آن کار می‌کنند تعلق دارد؛
گسترش جنبش مردمی زنان و مبارزات انقلابی پرولتری برای حقوق زنان، علیه تبعیض، نابرابری، زن‌کشی و تجاوز جنسی، انکار حق سقط جنین، ستم مضاعف قرون وسطایی و مدرن در کشورهای امپریالیستی و بندگی فئودالی در کشورهای زیرستم امپریالیسم؛
تشدید مبارزه ستیزه جویانه علیه فاشیسم و نژادپرستی، سازماندهی مبارزه‌ی مهاجران به ویژه در کشورهای امپریالیستی برای پذیرش و حق پناهندگی، آزادی حرکت، حق کار، دستمزد، مسکن، علیه کشتار در دریا و خشکی؛

تکیه بر شورش توده‌های جوان و سازماندهی آن‌ها به عنوان خط مقدم مبارزه انقلابی علیه دولت بورژوازی؛
مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و همه برادران طبقاتی محبوس در زندان‌های امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی؛
همه‌ی ما بر باوریم که وحدت پرولتاریای جهانی، اتحاد پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و توده‌های زیرستم جهان جوهر انترناسیونالیسم است.

انترناسیونالیسم مستلزم آن است که در هر کشوری طبقه‌ی کارگر در حزب سیاسی مستقل خود، حزب کمونیست - امروزه حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست - سازماندهی شود و احزاب کمونیست همه کشورها در یک کنفرانس بین‌المللی واقعی متحد شوند تا یک بین‌الملل واحد بسازند و در دیدگاه و چشم انداز انترناسیونال کمونیستی نوین سازمان یابند.

کمونیست‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در راهپیمایی بزرگ خویش هستند. آن‌ها باید از تجربیات، از اشتباهات، از کاستی‌های تاریخی که آن‌ها را از آمادگی برای شرایط تاریخی جدید باز داشته، درس بگیرند.

احزاب پرولتری و انقلابی واقعی، احزاب کمونیستی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، باید واحدهای پیشرو متناسب با کشورهای گوناگون و در مراحل مختلف را مدیریت کنند. آن‌ها می‌تواند از اشکال قانونی و غیرقانونی سازماندهی و مبارزه استفاده کنند، آن‌ها باید بتوانند از توده‌ها بیاموزند و از شر رویزیونیسم پوسیده و از اشکال کهنه و جدید آن خلاص شوند، بدون اینکه در دام افراط‌گرایی خرده بورژوازی عقیم، بازنده، ایده‌آلیست، سوپژکتیویست و میلیتاریستی بیفتند.

ما نیاز به ساختن جبهه‌ی متحد ضد سرمایه‌داری، ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی در کشورهای مختلف داریم. چنین جبهه‌ای برای دستیابی به رهبری واقعی توده‌های گسترده و سود بردن از تضادهای درون دشمن طبقاتی، با توجه به شرایط موجود در این کشورها ضروری است.

ما باید نیروی جنگنده‌ای را به دنیا بیاوریم که ارتش پرولتاریا را بسازد، بتواند جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی، جنگ طولانی خلق را گسترش دهد.

مرگ بر امپریالیسم

بیاید برای سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه کنیم!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

اتحادیه کارگران کمونیست (mlm) کلمبیا

کمیته سازنده‌ی حزب کمونیست مائوئیست گالیسیا

حزب کمونیست مائوئیست - ایتالیا

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

حزب کمونیست هند (مائوئیست)

حزب کمونیست نیپال (اکثریت)

حزب کمونیست نیپال (مائوئیست-انقلابی)

راه سرخ ایران (گروه مائوئیست)

حزب پرولتری پوربا بنگالا (PBSP/بنگلادش)

حزب کمونیست ترکیه مارکسیست - لنینیست

حزب کارگران و دهقانان بلغارستان

لیگ انقلابی مائوئیست - (MRL) سریلانکا

مائوئیست‌های روسی